



اساتید فلسفه در کودکی می‌خواستند چه کاره شوند

یکی از پرسش‌های مشترکی که در دوران کودکی به آن پاسخ می‌دهیم، این است که «وقتی بزرگ شدید، می‌خواهید چه کاره شوید؟». در این گزارش ۱۲ استاد حوزه و دانشگاه به مرور خاطراتشان می‌پردازند و به این پرسش پاسخ می‌دهند.

یکی از پرسش‌های مشترکی که در دوران کودکی به آن پاسخ می‌دهیم، این است که «وقتی بزرگ شدید، می‌خواهید چه کاره شوید؟». در این گزارش ۱۲ استاد حوزه و دانشگاه به مرور خاطراتشان می‌پردازند و به این پرسش پاسخ می‌دهند. یکی از مهمترین پرسش‌هایی که از دوران کودکی در مدرسه و حتی پیش از دوران مدرسه از بچه‌ها پرسیده می‌شود این سؤال است که وقتی بزرگ شوید می‌خواهید چه کاره شوید؟ این پرسش به ذهن همه ما آشناست و ما از کودکی رؤیاهای بسیاری در این زمینه پرورانده‌ایم؛ از پزشک، مهندس و خلبان تا شاعر و موسیقی‌دان، فارغ از اینکه واقعاً آن زمان چه می‌خواستیم و اکنون چه رخ داده، میزان رضایت خاطر ما از موقعیت کنونی و شغل و حرفه‌مان مهم است. آیا فارغ از اینکه به ایده‌آل ذهنیمان رسیده‌ایم از شرایط کنونی رضایت داریم؟ برخی از حرفه خود ابراز نارضایتی دارند و برخی اتفاقاً از شرایط پیش آمده بسیار خرسند هستند، حتی اگر به آن چیزی که در کودکی آرزو داشتند نرسیده باشند.

این بار این سؤال را از برخی اساتید فلسفه و صاحبان تفکر پرسیدیم البته نه این پرسش که می‌خواهید چه کاره شوید بلکه اینکه چه می‌خواستید و چه شد و در نهایت آیا از کار در حوزه فلسفه و اندیشه رضایت دارند یا خیر. به هر حال کار در حوزه فلسفه و نظریه‌پردازی در این زمینه ساده نیست، خیلی‌ها در میانه راه میان بر می‌زنند و برمی‌گردند و اما خیلی‌ها تا انتها ادامه می‌دهند.

دینار: اگر چه من، مانند اکثر، مرجع ندم غلامحسین ابراهیمی‌دینانی، چهره ماندگار فلسفه ایران و عضو مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران: من در ابتدای تحصیلات آموزشگاهی‌ام به نظام طلبگی علاقه داشتم، پس به حوزه علمیه قم رفتم و دروس فقه، ادبیات، منطق، بلاغت و اصول را گذراندم اما فلسفه را در دوره‌ای قوی‌تر از کلام دیدم و شروع به مطالعه آن کردم. اکنون همدوره‌ای‌های من مجتهد هستند و رساله منتشر می‌کنند و مرجع شده‌اند، اگر من هم در حوزه بودم، اکنون مرجع بودم!

فضای حوزه‌ها در آن دوران، بسته البته با معنویت همراه بود، بعد وارد دانشگاه شدم و این یکی از مهترین وقایع زندگی من است. علاقه ذاتی و درک محضر نورانی علامه طباطبایی باعث شد که به این حوزه ورود پیدا کنم.

حجت‌الاسلام خسه‌دناه: از ابتدا دیش، هاء، فلسف، ما به سمت فلسفه کشاند **حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه،** رییس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران: الان هم من سن و سالی ندارم و می‌توانم انتخاب حوزه و رشته داشته باشم! (با خنده) از شوخی گذشته من از دوران راهنمایی که بودم یک مجموعه پرسش‌های فلسفی داشتم و به این حوزه علاقه‌مند بودم بنابراین الان هم که در این حوزه کار و فعالیت می‌کنم بسیار خوشنود هستم.

اعاء: اگر به کدک، ناگدم باهم فلسفه ه حکمت، انتخاب م، کنه غلامرضا اعوانی، چهره ماندگار فلسفه ایران و عضو فرهنگستان علوم: من بعید نمی‌دانستم در دوران بچگی که به چنین حوزه‌ای کشیده شوم البته خود فلسفه صرف را نمی‌دانم شاید هم تصورم را نمی‌کردم اما بهرحال همین حوزه تعلیم و تربیت و فرهنگ را تصور می‌کردم، تحصیل علم از دبستان تا دبیرستان و پرداختن به حوزه حکمت از عالی‌ترین نوع علمی بود که تصورم را داشتم و فوق العاده بدان توجه نشان دادم حالا هم اگر بازهم دوباره بخواهم به کودکی برگردم همین راه را می‌روم البته با رفع اشتباهات و اشکالات!

حجت‌الاسلام دنجکار: م، خه‌استم مهندس، شمه **حجت‌الاسلام رضا برنجکار،** دکترای فلسفه و عضو هیئت علمی پردیس قم دانشگاه تهران: من تصور نمی‌کردم که در حوزه فلسفه مشغول به تحصیل و کار شوم، مطمئناً آن زمان دبیرستان که رشته ریاضی می‌خواندم، تصورم و اراده‌ام این بود که مهندس شوم اما بعدها نظرم تغییر کرد.

شاد: صحنه علم قانا، دیش، بند، نیست **یحیی یثربی،** استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی: من هم تصور نمی‌کردم که به این حوزه ورود پیدا کنم چرا که صحنه علم آینده را نشان نمی‌دهد و خود من هم مسائل عادی را تصور می‌کردم اما ذهن که از دوران کودکی به بعد گسترش پیدا می‌کند تصور و اندیشه انسان نیز تغییر می‌کند کما اینکه من هم ابتدا آثارم تقلیدی محض بود اما عیار کنونی‌ام نقد است و با آن دوران تفاوت است.

من هم بیست سال پیش فلسفه و عرفان نوشتم اما به طور کلی الان ذهنم طور دیگری شده بنابراین تصور نمی‌کردم که چه چیز پیش می‌آید در ابتدا دعا نویسی کردم و در نهایت منتقد فلسفه شدم!

حجت‌الاسلام غه‌بان: از کدک، به مباحث عقل، علاقه داشتم **حجت‌الاسلام محسن غرویان،** عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی العالمیه و از مدرسان فلسفه اسلامی، عرفان و کلام حوزه علمیه قم: از زمانی که به خاطر می‌آورم کتاب می‌خواندم و به مدرسه و درس علاقه داشتم در دوران راهنمایی هم کتاب‌های غیردرسی و مذهبی علاقه بسیار داشتم به ویژه علاقه‌ام به حوزه مباحث عقلی بسیار ویژه بود بنابراین در مدرسه دوران دبیرستان و هنرستان به مباحث جبر و ریاضیات و مباحث عقلی، هندسه و اشکال علاقه بسیار پیدا کردم چرا که سروکارم با عقل و تعقل و اندازه‌گیری عقلی بود.

بنابراین به این جهت فکر می‌کنم که جوهره فلسفی در وجودم بود و اکنون هم هست لذا به همین فلسفه نیز گرایش پیدا کردم البته اکنون در حوزه فلسفه و حقوق و فقه تدریس می‌کنم ولی اصلاً از انتخابم پشیمان نیستم و معتقدم که بدون فلسفه نمی‌توان زندگی کرد.

شعبه، اعمان: ابتدا علاقه داشتم، باض، بخانه
شهین اعوانی، عضو علمی هیئت مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران: من در ابتدا علاقه داشتم که ریاضی بخوانم ولی در شهرمان سمنان آن زمان رشته ریاضی نبود بنابراین پدرم به من قول داد که اگر شاگرد اول بشوم من را به مدرسه ریاضی خواهد فرستاد آن دوران دبیرستان‌ها مختلط بود اما زمانی که خودم شاگرد اول شدم از انتخابم پشیمان شدم و نظرم تغییر کرد البته حوزه علوم انسانی به ویژه فلسفه هم کم با ریاضیات غریبه نبود بنابراین زمانی که به علوم انسانی آمدم از بین همه رشته‌ها فلسفه و منطق را انتخاب کردم و به ویژه در این حوزه به کار تخصصی اخلاق پرداختم که واقعاً در این دوران نیاز و ضرورتش را احساس می‌کنم.

حجت‌الاسلام، هدا: من، خاستم دانشمند شهم
حجت‌الاسلام احمد رهدار دانش‌آموخته مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) و مدیر مؤسسه مطالعات و تحقیقات اسلامی فتوح اندیشه و صاحب‌نظر فلسفه انقلاب اسلامی: نخستین انشائی که در مدرسه نوشتم سوم ابتدایی درباره این بود که دوست دارید چه کاره شوید. من گفتم که دوست دارم روحانی بشوم و بعد هم گفتم می‌خواهم دانشمند شوم، در واقع تفاسیرم همان چیزهایی بود که در کتاب می‌خواندم اما فکر نمی‌کردم که یک روز در حوزه فلسفه و معارف و امثال اینها فعال بشوم. یک دوره‌ای هم دوست داشتم منجم بشوم اما آن زمان چنین رشته‌ای نبود، بعدها رشته نجوم آمد و الان هم هست ولی آن زمان نبود ما هم دیگر در این حوزه سرنوشتان رقم خورده بود.

به، حماد: به مهندس، ه، بشک، علاقه نداشتم
نصرالله پورجوادی استاد فلسفه و عرفان دانشگاه و رییس پیشین و مؤسس مرکز نشر دانشگاهی: من نمی‌توانم بگویم که در دبیرستان دانش‌آموز خوبی بودم اما از دوران کودکی ظاهراً چیزهایی را حس می‌کردم، چیزهایی برایم مجهول و معما بود و اعتراف می‌کنم امروز هم آن معماها برایم وجود دارد، زندگی برایم معماست. همیشه حس کرده‌ام با علامت سؤال بزرگی روبه‌رو هستم.

این روزها در پیری احساس می‌کنم که این علامت سؤال بزرگتر شده که کوچک‌تر نشده. این جهان، این زندگی، این آسمان بی انتها، دریای ژرف هستی، همه برایم معماست. چرا این چیزهایی که هست، هست؟ نمی‌دانم. متحیرم. زندگی برایم حیرت‌انگیز است؛ همین حیرت و سرگردانی، به صورت خام و ابتدایی آن، در دوران کودکی باعث می‌شد که در جواب سؤال یا انشاء در مدرسه که می‌پرسیدید می‌خواهید در آینده چه کاره شوید، گاهی می‌گفتم «منجم» چرا که فکر می‌کردم راه حل نهایی برطرف کردن ناشناخته‌ها است و گاهی می‌گفتم روانشناسی، چون فکر می‌کردم روانشناسی مرا می‌برد به عمق هستی خودم، همانطور که آسمان‌ها و کهکشان‌ها مرا به عالم بی انتها می‌برد.

به هر صورت هیچ وقت به رشته‌های پزشکی و مهندسی علاقه نداشتم و تنها به علوم انسانی علاقه‌مند بودم، به خاطر همین با وجود اینکه در سیکل دوم دبیرستان رشته ریاضی خواندم و کنکور دادم پس از آن به دانشگاه پهلوی شیراز رفتم، خواست قلبی من این نبود و زود این رشته را رها کردم.

حجت‌الاسلام، به، مند: مشخصاً نم، دانستم به چه حوزه‌ای، ه، م، کنم
حجت‌الاسلام علیرضا پیروزمند، قائم مقام فرهنگستان علوم اسلامی قم: شرایط پرورشی ما تا حدی و همینطور مقطع تاریخی خاصی که متناسب با آن زندگی می‌کردیم تا حد وضعیت ما را مشخص می‌کرد اما باز هم مشخصاً نمی‌دانستم کجا و چطور فعال می‌شوم یک مقطعی ما قبل از انقلاب در آستان شکل‌گیری و مبارزات بودیم بنابراین در این حوزه فعال شده بودیم و الگوهایمان مشخص بود. پس از آن جریان منافقین پیش آمد که در آن زمان من در مقطع دبیرستان بودم با جریانات التقاطی مبارزه می‌کردیم و خود به خود به همین حوزه‌های اندیشه‌ای هم گره خوردیم. پس از اینکه دیپلم را گرفتم برای آینده جدی‌تر تلاش کردم و طبیعتاً به سمت حوزه متمایل شدم و همان زمان هم تحصیل کردم و به صورت مشخص و معین در حوزه فلسفه فعال شدم اما بیشتر دغدغه انقلاب و پیروزی و پیاده‌سازی اسلام در جامعه پیدا کردم و سعی داشتم خود را به اولویت‌های علمی نظام هماهنگ کنم بنابراین قاعدتاً اینطور نشد که مغایر افکار و آرمانان باشد.

محمد، ضاب: به معلم، ه، بشک، علاقه داشتم
محمد محمدرضایی، استاد فلسفه دانشگاه تهران: در ابتدا دوران کودکی دوست داشتم معلم شوم، پیش از انقلاب حتی پزشکی هم علاقه داشتم که ادامه تحصیل بدهم بنابراین ابتدا شیمی خواندم و در این حوزه ادامه تحصیل دادم اما در یک مقطع و اوایل انقلاب مسیر زندگی‌ام تغییر کرد، الان خیلی راضی هستم. آن زمان تفکر بچگانه داشتم و می‌بینم که برای خود و جامعه‌ام این حوزه بسیار مفید است.

حجت‌الاسلام، با، سانبا: از بچگ، کتاب داستا، فلاسفه، با، م، بخاندم
حجت‌الاسلام و المسلمین حمید پارسانیا، استاد دانشگاه تهران و رئیس کمیسیون حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی: خاطرم می‌آید که از دوران کودکی کتاب داستان‌هایی از این مجموعه‌های کوچک از دوران دبستان را راجع به چهره‌های فلسفی چون خواجه نصیر و خواجه نظام‌الملک می‌خواندم و بسیار به این افراد علاقه داشتم. حتی یادم می‌آید که عکس بوعلی سینا را هم می‌کشیدم.

حالا که به گذشته نگاه می‌کنم می‌بینم که بسیار علاقه‌مند به این حوزه بودم شاید اگر در مسیر دیگری قرار می‌گرفتم شرایط تغییر می‌کرد اما اکنون از وضعیت و انتخابم راضی هستم.

کمال، ااده: از انتخاب فلسفه ااض، هستم
طاهره کمالی زاده، استاد فلسفه دانشگاه زنجان: در ابتدا و کودکی ام فکر نمی کردم که در حوزه فلسفه ظاهر شوم اما اکنون خیلی
خوشحالم و از شرایط راضی هستم، بنابراین تفکرات کودکی ام علوم انسانی نبود، به خاطر شرایط جهان سوم اما خب اینطور شد
و اکنون بسیار خوشحال هستم.